

امتحانات متمرکز تکمیلی نیمسال اول ۹۹-۱۳۹۸

ساعت برگزاری: ۱۰ صبح نمره: ۱۴ مدت: ۶۰ دقیقه

رشته فقه مبر ۹۷

مهر مدرسه

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حرف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حرف

کد امتحان:	۳۹۸۱/۱۰
تاریخ آزمون:	۱۳۹۸/۱۰/۲۵
عنوان:	اصول ۳
کتاب:	حلقه ثالثه
محدوده:	جزء اول: از ابتدای درس ۶۸ تا پایان درس ۸۲ (ص ۴۱۷-۳۴۰) (از مسئولیه عن المقدمات قبل الوقت تا پایان بحث استحباب الاحتیاط) / جزء دوم: از ابتدای کتاب تا پایان درس ۱۴ (ص ۸۰-۱۵)
حذفیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرس علمیه: شهرستان: استان:

۱- چرا مخالفت وجوب غیری، به طور مستقل موجب استحقاق عقاب نمی شود؟ جزء اول ص ۳۶۳ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۶-۹۵)

۰/۵

- الف. لأنه ليس بواجب شرعی حقيقة
- ب. لان المولى رخص في المخالفة
- ج. لأنه ليس له المبادى المستقلة
- د. لأنه واجب تضمنياً لا تبعياً

۲- چرا مجرد «تعدد عنوان» کاشف از «تعدد معنون» نیست؟ جزء اول ص ۳۸۷ (امتحانات تکمیلی نیمسال دوم ۹۵-۹۴) (مسابقات علمی منطقه ای ۹۶-۹۵)

۰/۵

- الف. لامكان انتزاع عنوانين من موجود واحد
- ب. لان العناوين في الذهن مرآة للخارج
- ج. لعدم امکان موجود واحد بالعنوانين
- د. لان العنوان مساوق حقيقة الشيء

۳- بنا بر نظر شهید صدر (ره) مرد و بازگشت اصول عملیه عقابیه در حقیقت به چیست؟ جزء دوم ص ۱۸ (امتحانات نیمسال اول ۹۳-۹۲)

۰/۵

- الف. قاعدة قبح العقاب بالبيان
- ب. حق الطاعة إثباتا و نفيًا
- ج. قاعده الاشتغال
- د. أصالة الاحتياط

۴- بنا بر نظر شیخ انصاری (ره)، اگر مراد از موصول در آیه شریفه «لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَاءً آتَاهَا» (طلاق: ۷) تکلیف باشد، موصول از کدام

قسم مفعول است؟ جزء دوم ص ۴۲ (مسابقات علمی کشوری ۹۴-۹۳)

- الف. مفعول مطلق
- ب. مفعول فيه
- ج. مفعول له
- د. مفعول به

۵- استدلال در عبارت: «ان قصد امتثال الامر عبارة عن محركية الامر و الامر لا يحرك الا نحو متعلقه فلو كان نفس القصد المذكور داخلا

في المتعلق لادى الى ان الامر يحرك نحو نفس هذه المحركية و هذا مستحيل» را در مورد «استحاله اخذ قصد امتثال امر در وجوب»

تبیین کرده، پاسخ آن را بنویسید. جزء اول ص ۳۵۲

جواب: امر دارای داعیوت و محرکیت است که محرک ایجاد متعلق از جانب مکلف است و اگر چنین نباشد جعل آن لغو است و از طرفی قصد امتثال خودش محرکیت امر است زیرا محرک مکلف برای امتثال امر است و با توجه به اینکه امر صرفاً نسبت به متعلقش محرکیت دارد اگر قصد امتثال داخل در متعلق امر باشد به این معنا است که امر محرک، محرکیتش است به عبارتی محرک خودش است که استحاله دارد. جواب: اگر قصد امتثال دخیل در متعلق امر باشد، امر منحل می شود به دو امر ضمنی: امر به ذات فعل و امر به قصد امتثال امر اول و با این بیان اشکال دفع می شود که امر دوم محرکیت دارد نسبت به محرکیت امر اول نه نسبت به محرکیت خودش. [رساندن مطلب کفایت می کند.]

۶- ملاک دوم در اقتضای حرمت برای بطلان عبادت: «انها تكشف عن كون العبادة مبغوضة للمولى» را تبیین کرده، چرا مختص به عبادت

و عالم به حرمت است؟ جزء اول ص ۴۰۴

جواب: با تعلق نهی به عبادت و حرمت آن کشف می شود که عبادت مبغوض مولا است و با مبغوضیت، تقرب استحاله دارد. (۱ نمره) این ملاک مختص عبادت است زیرا قصد قربت در غیر عبادت معتبر نیست و مختص عالم به حرمت است زیرا کسی که به مبغوضیت جهل دارد امکان تقرب دارد. (۱ نمره)

۷- دلیل برخی از علماء که قائل به استحاله حکم شارع در موارد حکم عقل عملی هستند را به همراه نقد شهید صدر^(ره) بنویسید.

جزء اول ص ۴۱۰ و ۴۱۱

۲

جواب: جعل حکم شارع در مورد حکم عقلی به حسن و قبح لغو است زیرا حسن و قبح برای ادانه و محرکیت کفایت می‌کند. نقد: به عنوان مثال حسن امانت و قبح خیانت اگرچه درجه‌ای از مسئولیت و محرکیت را لکن حکم شارع طبق حکم عقلی، ملاکی دیگر برای حسن و قبح است که ملام قبلی را تأکید می‌نماید و آن حسن طاعت مولی و قبح معصیت اوست و در نتیجه لغویت لازم نمی‌آید.

۸- با توجه به عبارت «أنه لا مقتضى للتحرك مع عدم وصول التكليف، فالعقاب حينئذ عقاب على ترك ما لا مقتضى لايجاده و هو قبيح»، استدلال میرزای نائینی بر «برائت عقليه» را تبیین نمایید و نقد شهید از آن را بنویسید. جزء دوم ص ۳۶ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۵-۹۴)

۲

جواب: تکالیف وقتی محرکیت دارند که واصل شده باشند و آلا وجود واقعی آن‌ها محرکیتی ندارد، به عبارت مختصر، وصول مهم است نه صدور. لذا در مقام ما، اگر شارع بخواهد بر ترک تحرک عقاب کند قبیح است چون بر چیزی عقاب کرده که هیچ مقتضی‌ای برای آن نبوده است. نقد: این دلیل مصادره به مطلوب است چه این که میرزا فرض کرده هیچ مقتضی‌ای برای تحرک نیست لذا عقاب بر آن قبیح است در حالی که وجود و عدم مقتضی فرع سعه و ضیق دایره حق الطاعه می‌باشد، بلکه اگر دایره حق الطاعه ضیق باشد و تکالیف مشکوکه را شامل نشود مقتضی نیست و عقاب قبیح است و اگر دایره آن وسیع باشد و شامل موارد شک در تکلیف بشود، مقتضی برای اطاعت مولی و تحرک موجود است.

۹- «رفع ظاهری» و «رفع واقعی» را در حدیث «رفع عن امتی ... ما لا يعلمون» تبیین کرده، چرا شهید^(ره) رفع را ظاهری می‌داند؟

۲

جزء دوم ص ۵۸ - ۵۶ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۲-۹۱) (امتحانات تکمیلی مجدد ۹۳-۹۲) (آزمون ورودی سطح چهار ۹۸-۹۷) جواب: رفع واقعی یعنی حکم مجهول از جاهلان واقعاً برداشته شود و فقط عالمان حکم داشته باشند. و رفع ظاهری یعنی ممکن است در واقع تکلیفی باشد، اما به حسب ظاهر مرفوع است و منجز نیست؛ یعنی احتیاط در موارد شک در تکلیف لازم نیست، شهید صدر (ره) رفع ظاهری است زیرا اگر واقعی باشد مستلزم اخذ علم به حکم در موضوع حکم می‌شود و این یا محال است (اگر به معنای اخذ علم به حکم مجعول در موضوع حکم مجعول باشد) و یا خلاف ظاهر است (اگر مراد، اخذ علم به جعل در موضوع حکم مجعول باشد) زیرا گرچه اخذ به این معنا معقول است لکن خلاف ظاهر حدیث رفع می‌باشد؛ چرا که ظاهر روایت، اتحاد «ما لا يعلمون» با مرفوع است و طبق معنای دوم، مرفوع با مجهول یکی نیست.

۱۰- با توجه به عبارت «ان حسن الاحتیاط كحسن الطاعة و قبح المعصية واقع في مرحلة متأخرة عن الحكم الشرعي و قد تقدم المسلك القائل بان الحسن و القبح الواقعيان في هذه المرحلة لا يستتبعان حكماً شرعياً» اشکال به جعل مولوی استحباب احتیاط را تبیین نموده و جواب شهید صدر^(ره) از آن را بنویسید. جزء دوم ص ۷۷ و ۷۸ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۴-۹۳) (امتحانات متمرکز مجدد ۹۵-۹۴) (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۶-۹۵)

۲

جواب: حسن و قبح عقلی وقتی با حکم شرعی ملازمه دارد که در سلسله علل حکم شرعی واقع شود، یعنی وقتی می‌گوییم: «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» که عقل مصالح و مفاسد را در مرحله سابق درک کرده باشد، در حالی که مسأله حسن احتیاط مانند حسن اطاعت مولی و قبح معصیت مولی در طول حکم شرعی می‌باشند. یعنی شارع باید احکامی را جعل کرده باشد تا حسن احتیاط معنا داشته باشد، که در این صورت حسن عقلی احتیاط در سلسله معالیل حکم شرعی است نه علل حکم شرعی. لذا مولوی بودن آن بی معناست.

جواب شهید: ولو اینکه ملازمه بین حکم عقل و شرع را بپذیریم و لکن در مقام ما ثمری ندارد، زیرا ما نمی‌خواهیم حسن احتیاط شرعی را با استفاده از قانون ملازمه نتیجه بگیریم، (یعنی چون احتیاط عقلاً حسن است پس شرعاً نیز حسن و مستحب است)، که شما به ما اشکال می‌کنید باید حکم عقل در سلسله علل باشد نه معالیل، بلکه احتیاط شرعی بواسطه دلیل شرعی (روایات حسن احتیاط) ثابت است.

« سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۱۴۴۲ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد. »

« در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد. »